

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

Mediation role of narcissism on the relationship between empathy and quality of interpersonal relationships

M.A. Besharat: Professor, Tehran University
E-mail: besharat@ut.ac.ir
M.R. Khodabakhsh: MA in psychology
H. Farahani: Assistant Professor, Tehran University
S.M.R. Rezazadeh: Assistant Professor, Tehran University

محمدعلی بشارت: استاد دانشگاه تهران
محمدرضا خدابخش: کارشناس ارشد روان‌شناسی
حجت‌الله فراهانی: استادیار دانشگاه تهران
سید محمدرضا رضازاده: استادیار دانشگاه تهران

Abstract

Aim: The purpose of the present study was to examine the mediatory role of narcissism on the relationship between empathy and the quality of interpersonal relationships. **Method:** Method of the present study was correlational and the statistical population included all students living in the University of Tehran dormitory during the 2010-2011 academic year. 609 university students (165 males, 399 females, 45 unknown) were included in this study. All participants were asked to complete the Emotional Empathy Scale Ali, et al. (2009), the Inventory of Interpersonal Problems Horowitz et al. (1988), and the Narcissistic Personality Inventory Raskin & Terry (1988). Data was analyzed using Pearson's product-moment correlation coefficient, variance-covariance matrix, and structural equation modeling (path analysis). **Results:** Results indicated that the initial hypothetical model had a good fit with the observed data and that all the paths had significant coefficients in the hypothetical model. The results showed that empathy had a significant positive correlation with the quality of interpersonal relationships. On the other hand, narcissism had a significant negative correlation with the quality of interpersonal relationships. Structural equation modeling analysis indicated that empathy indirectly affected the quality of interpersonal relationships via narcissism. **Conclusion:** Empathy and narcissism are of importance to the quality of interpersonal relationships and these factors can account for a high amount of variance in the quality of interpersonal relationships.

Keywords: empathy, narcissism, quality of interpersonal relationship

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی بود. **روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری کلیه دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ بود که از میان آن‌ها ۶۰۹ دانشجو (۱۶۵ پسر، ۳۹۹ دختر، ۴۵ نفر جنس اعلام نشده) در این پژوهش شرکت و مقیاس همدلی عاطفی علی و همکاران (۲۰۰۹)، مقیاس مشکلات بین شخصی هرویتز و همکاران (۱۹۸۸) و مقیاس شخصیت خودشیفته راسکین و تری (۱۹۸۸) را تکمیل کردند. از ضریب همبستگی برای تحلیل داده‌ها و از ماتریس واریانس-کواریانس به عنوان داده ورودی و الگویابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) برای آزمون الگوی فرضی پژوهش استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که الگوی فرضی اولیه با داده‌های مشاهده شده، برازش مطلوب دارد. ضرایب تمامی مسیرها در الگوی فرضی معنادار بود. همبستگی همدلی با کیفیت روابط بین شخصی مثبت و همبستگی خودشیفتگی با کیفیت روابط بین شخصی منفی بود. الگویابی معادلات ساختاری نشان دهنده تاثیرگذاری غیرمستقیم همدلی بر کیفیت روابط بین شخصی از طریق خودشیفتگی بود. **نتیجه‌گیری:** از آن جایی که همدلی و خودشیفتگی میزان بالایی از تغییر پذیری کیفیت روابط بین شخصی را تبیین می‌نماید می‌توان توجه به این عوامل را در کیفیت روابط بین شخصی مهم دانست.

کلیدواژه‌ها: خودشیفتگی، کیفیت رابطه بین شخصی، همدلی

مقدمه

همدلی^۱ ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی نقشی اساسی در زندگی اجتماعی دارد (ریف، کتلا و ویفرینگ^۲، ۲۰۱۰) و نیروی برانگیزنده رفتارهای اجتماعی و رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد (جولیفی و فارینگتن^۳، ۲۰۰۴؛ ریف و همکاران، ۲۰۱۰). همدلی عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت‌آمیز بین شخصی محسوب می‌شود (سوسا، مکدونالد، راش‌بی، لی، دیموسکا و جیمز^۴، ۲۰۱۰) و پاسخ عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران است (علی، آموریم و چامورو-پریموزیک^۵، ۲۰۰۹).

ابراز مناسب همدلی نیاز به مهارت‌های اجتماعی دارد (هانتز، فیگوئردو، بکر و ملامود^۶، ۲۰۰۷). به طور تجربی تایید شده است که کیفیت روابط بین شخصی پیوند عمیقی با ابعاد روان‌شناختی و جسمانی بهزیستی دارد. به همین دلیل، کیفیت و ماهیت روابط بین شخصی، رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی را تبیین و تعدیل می‌کند (سگرین و تیلور^۷، ۲۰۰۷). بر اساس دیدگاه‌های بین شخصی، الگوهای بین‌شخصی غیرانطباقی، نتیجه تعاملات جاری فرد و محیط اجتماعی او است. روابط بین‌شخصی، نه تنها رفتار اجتماعی را شکل می‌دهند، بلکه بر احساس فرد از خود و دیگران نیز تأثیرگذارند (الدن^۸ و تیلور، ۲۰۰۴).

یکی از موضوع‌های این پژوهش، مطالعه رابطه همدلی و کیفیت روابط بین شخصی است. اما آیا رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی یک رابطه خطی و ساده است؟ مرور یافته‌ها، این فرض را تقویت می‌کند که به احتمال قوی بعضی از سازه‌های روان‌شناختی شخصی و بین شخصی در رابطه بین این متغیرها نقش واسطه‌ای دارند. یکی از این متغیرها خودشیفتگی است. خودشیفتگی ساختاری شخصیتی است که حجم عظیمی از مطالعات تجربی را از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، شخصیت و بالینی به خود اختصاص داده است (آگرونی‌زاک، پی‌پر، جویس، استینبرگ و دوگال^۹، ۲۰۰۹؛ راسکین و تری^{۱۰}، ۱۹۸۸؛ براون و زیگلر-هیل^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ کاین، پینکاس و انسل^{۱۲}، ۲۰۰۸ و میلر و کمپل^{۱۳}، ۲۰۰۸).

1. empathy
2. Rieffe, Ketelear & Wiefferink
3. Jolliffe & Farrington
4. Sousa, McDonald, Rushby, Li, Dimoska & James
5. Ali, Amorim & Chamorro-Premuzic
6. Hunter, Figueredo, Becker & Malamuth
7. Segrin & Taylor
8. Alden
9. Ogrodniczuk, Piper, Joyce, Steinberg, & Duggal
10. Raskin, & Terry
11. Brown & Zeigler-Hill
12. Cain, Pincus & Ansell
13. Miller & Campbell

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

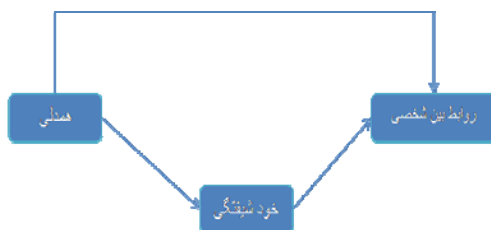
خودشیفتگی به عنوان موهبتی آمیخته^۱ تعریف شده (پائول هاس^۲، ۱۹۹۸)، که از جنبه‌های انطباقی و غیرانطباقی تشکیل شده است (ریدی، زیچنر، فاستر و مارتینز^۳، ۲۰۰۸؛ فاستر، کمپل و توینگ^۴، ۲۰۰۳؛ فاستر و کمپل، ۲۰۰۵). خودشیفتگی غالباً به عنوان صفت شخصیتی مهم و پیچیده‌ای شناخته شده که شامل حس خود بزرگ بینی و در عین حال خود ترد و شکننده^۵، محق بودن، اشتغال ذهنی به موفقیت و تمایل شدید به دریافت احترام از سوی دیگران است (امس، روس و اندرسون^۶، ۲۰۰۶). با این توصیف، تمرکز پژوهش حاضر، مطالعه نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی است. کیفیت روابط بین شخصی، بر حسب میزان شدت و ضعف مشکلات بین شخصی تعیین می‌شود.

بنابراین اهداف پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. تعیین نوع رابطه احتمالی بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی؛ ۲. تعیین نوع رابطه احتمالی بین خودشیفتگی و کیفیت روابط بین شخصی؛ ۳. تعیین نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی؛ و ۴. هدف دیگر پژوهش حاضر، با توجه به تأثیرات احتمالی متغیر جنس در تعیین نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی، پاسخ به این سوال است که آیا عامل جنس (زن و مرد) ضرایب مسیر در الگوی فرضی پژوهش را تعدیل می‌کند؟ با توجه به شواهد موجود از پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه همدلی با کیفیت روابط بین شخصی (سوسا و همکاران، ۲۰۱۰) و خودشیفتگی (مونرو، بوره و پویس^۷، ۲۰۰۵؛ واتسون و موریس^۸، ۱۹۹۱) و رابطه خودشیفتگی با کیفیت روابط بین شخصی (آگرونی‌زاک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ایتون، استروتر و سانتلی^۹، ۲۰۰۶؛ تانچاتس رینون، منیسری و کمپل^{۱۰}، ۲۰۰۷؛ استرین^{۱۱}، ۲۰۰۷)، در واقع هدف پژوهش حاضر آزمون الگوی فرضی طراحی شده در این پژوهش (شکل ۱)، جهت تعیین میزان تأثیر متغیر مستقل برونزای همدلی با واسطه‌گری متغیر خودشیفتگی بر کیفیت روابط بین شخصی است.

با توجه به مطالعات اندکی که به طور مستقیم به موضوع پژوهش حاضر پرداخته بودند و نیافتن سابقه انجام چنین مطالعه‌ای در ایران، این مطالعه در نوع خود کم نظیر و دارای نوع‌آوری‌های خاص خود نه تنها از نظر موضوع، بلکه از سایر جهات نظیر روش شناسی و تبیین نتایج است. ماهیت

-
1. mixed-blessing
 2. Paulhus
 3. Reidy, Zeichner, Foster & Martinez
 4. Campbell & Twenge
 5. fragile
 6. Ames, Rose & Anderson
 7. Munro, Bore & Powis
 8. Watson & Morris
 9. Eaton, Struthers & Santelli
 10. Tanchotsrinon, Maneesri & Campbell
 11. Strelan

پژوهش حاضر در زمینه تعیین نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش را در سطحی فراتر از روابط ساده بین متغیرها مطرح می‌سازد. یافته‌های حاصل از این سطح پژوهش، بر غنای دستاوردهای پیش گفته در زمینه پیشگیری و درمان مشکلات بین شخصی خواهد افزود.



شکل ۱. الگوی فرضی نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی با کیفیت روابط بین شخصی

بر این اساس فرضیه‌های پژوهش به شرح زیرند:

۱. رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی در دانشجویان مثبت است؛
۲. رابطه بین خودشیفتگی و کیفیت روابط بین شخصی در دانشجویان منفی است؛
۳. همدلی به واسطه خودشیفتگی بر کیفیت روابط بین شخصی اثر دارد.

روش

روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل تمام دانشجویان مشغول به تحصیل و ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ بود. تعداد نمونه ۶۰۹ دانشجو (۳۹۹ دختر، ۱۶۵ پسر و ۴۵ جنس اعلام نشده) بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

ابزار پژوهش

۱. **مقیاس همدلی عاطفی**^۱. این ابزار (مهرابیان و اپستین، ۱۹۷۲؛ به نقل از علی و همکاران، ۲۰۰۹) یک مقیاس ۳۳ گویه‌ای است و پاسخ‌های عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران را در طیف ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۹) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در مقیاس همدلی به ترتیب ۳۳ و ۲۹۷ خواهد بود. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از ۹۲۴ نفر از جمعیت عمومی (۴۹۰ زن، ۴۳۴ مرد) بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس همدلی عاطفی ۰/۹۱ به دست آمد که نشانه همسانی درونی^۲ خوب آن است. به منظور

1. Emotional Empathy Scale

2. internal consistency

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

بررسی روایی سازه^۱ این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی^۲ با روش تحلیل مولفه‌های اصلی برای کل شرکت کنندگان استفاده شد. در تحلیل چرخش نیافته، بار عاملی اکثر گویه‌های مقیاس روی یک عامل کلی (همدلی عاطفی) قرار گرفت که توانست ۶۷ درصد از واریانس کل را تبیین کند. روایی همگرا^۳ و تشخیصی (افتراقی)^۴ آن از طریق اجرای همزمان سیاهه سلامت روانی^۵ و فهرست عواطف مثبت و منفی^۶ محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره آزمودنی‌ها در زیر مقیاس همدلی عاطفی با بهزیستی روان شناختی و عواطف مثبت همبستگی مثبت، و با درماندگی روان شناختی و عواطف منفی همبستگی منفی دارد. این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس همدلی عاطفی را تایید می‌کند (بشارت، ۱۳۸۹).

۲. سیاهه مشکلات بین شخصی^۷. نسخه کوتاه سیاهه ۱۲۷ گویه‌ای مشکلات بین شخصی (هرویتز، روزنبرگ، بایر، اورنو و ویلاسنور^۸، ۱۹۸۸)، ۶۰ گویه دارد و مشکلات بین شخصی را در شش زمینه قاطعیت^۹، مردم‌آمیزی^{۱۰}، اطاعت‌پذیری^{۱۱}، صمیمیت^{۱۲}، مسئولیت‌پذیری^{۱۳} و مهارگری^{۱۴} در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۰ تا ۴ (خیلی کم = ۰؛ کم = ۱؛ متوسط = ۲؛ زیاد = ۳؛ خیلی زیاد = ۴) می‌سنجد. در این سیاهه، نمره بیشتر، مشکلات بین شخصی بیشتری را نشان می‌دهد. علاوه بر شش زیر زمینه فوق، میانگین کل آزمودنی در زمینه مشکلات بین شخصی نیز بر اساس نمره او در مجموع ۶۰ گویه محاسبه می‌شود. در اعتباریابی نسخه فارسی این سیاهه برای نمونه‌های دانشجویی (۱۵۹ دختر، ۱۱۲ پسر) و برای جمعیت عمومی (۴۹۰ زن، ۴۳۴ مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زمینه‌ها از ۰/۸۶ تا ۰/۸۹ برای قاطعیت، از ۰/۹۰ تا ۰/۹۱ برای مردم‌آمیزی، از ۰/۸۲ تا ۰/۸۴ برای اطاعت‌پذیری، از ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ برای صمیمیت، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ برای مسئولیت‌پذیری، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۲ برای مهارگری و از ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ برای نمره کل مشکلات بین شخصی به دست آمد که نشانه همسانی درونی^{۱۵} بالای سیاهه است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های دو نمونه ۱۱۲ و ۱۲۳

1. construct validity
2. exploratory factor analysis
3. convergent
4. discriminant
5. Mental Health Inventory
6. Positive and Negative Affect Schedule
7. Inventory of Interpersonal Problems
8. Horowitz, Rosenberg, Baer, Ureno & Villasenor
9. assertiveness
10. sociability
11. submissiveness
12. intimacy
13. responsibility
14. controlling
15. internal consistency

نفری در دو نوبت با فاصله دو تا شش هفته برای قاطعیت از ۰/۷۱ تا ۰/۸۰، برای مردم آمیزی از ۰/۶۵ تا ۰/۷۵، برای اطاعت پذیری از ۰/۷۶ تا ۰/۷۹، برای صمیمیت از ۰/۷۴ تا ۰/۷۵، برای مسئولیت پذیری از ۰/۷۷ تا ۰/۷۸، برای مهارگری از ۰/۷۰ تا ۰/۷۸ و برای مشکلات بین شخصی (نمره کل) از ۰/۸۱ تا ۰/۸۴ به دست آمد که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند. این ضرایب نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش نسخه ۶۰ گویه‌ای سیاهه مشکلات بین شخصی است (بشارت، ۱۳۸۸؛ بشارت، محمد مهر، عزیزی و پوربهلول، ۱۳۸۹). به منظور بررسی روایی سازه مقیاس مشکلات بین شخصی، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مولفه‌های اصلی برای کل شرکت کنندگان در دو گروه استفاده شد. در تحلیل چرخش نایافته، بار عاملی اکثر گویه‌های سیاهه روی یک عامل کلی (مشکلات بین شخصی کلی) قرار گرفت. آزمون اسکری، که تعداد تقریبی عامل‌ها را پیشنهاد می‌کند، نشان داد که شش عامل قاطعیت، مردم آمیزی، اطاعت پذیری، صمیمیت، مسئولیت پذیری و مهارگری وجود دارند و ۵۹ درصد (در نمونه دانشجویی) تا ۶۳ درصد (در نمونه جمعیت عمومی) از واریانس کل را تبیین می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۸؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۹). روایی همگرا و تشخیصی (افتراقی) سیاهه مشکلات بین شخصی از طریق اجرای همزمان سیاهه سلامت روانی، مقیاس درجه-بندی حرمت خود و مقیاس هوش هیجانی در مورد آزمودنی‌های دو گروه محاسبه شد.

۳. سیاهه شخصیت خودشیفته^۱. این سیاهه پرکاربردترین ابزار خودگزارش دهی از صفات خودشیفته در جمعیت بهنجار است و ۴۰ گویه دارد که هر گویه شامل دو بازخورد است. آزمودنی باید یکی از دو بازخورد را انتخاب کند. جمع نمره‌ها در هر یک از چهار بازخورد به طور جداگانه محاسبه می‌شود و در نهایت مجموع نمره‌ها سطح خودشیفتگی فرد را نشان می‌دهد. روایی سیاهه شخصیت خودشیفته از طریق اجرای همزمان آن با پرسشنامه چند محوری اختلال شخصیت میلون که بیش از سایر پرسشنامه‌ها می‌تواند اختلال شخصیت خودشیفته را ارزیابی کند تعیین شده است و همبستگی معنادار ($P < ۰/۰۰۱$ و $r = ۰/۷۹$) به دست آمده است (راسکین و تری، ۱۹۸۸).

یافته‌ها

میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۲۳/۰۴ در دامنه ۱۸ تا ۳۴ سال و انحراف استاندارد ۲/۵۲، میانگین سن مردان ۲۲/۹ در دامنه ۱۸ تا ۳۴ سال و انحراف استاندارد ۲/۷۰ و میانگین سن زنان ۲۳/۱ در دامنه ۱۸ تا ۳۱ سال و انحراف استاندارد ۲/۴۹ بود. ۵۰۷ نفر از شرکت کنندگان (۸۳/۳ درصد) مجرد و ۵۵ نفر (۹ درصد) متأهل بودند و ۴۷ نفر (۷/۷ درصد) وضعیت تاهل خود را مشخص نکرده بودند.

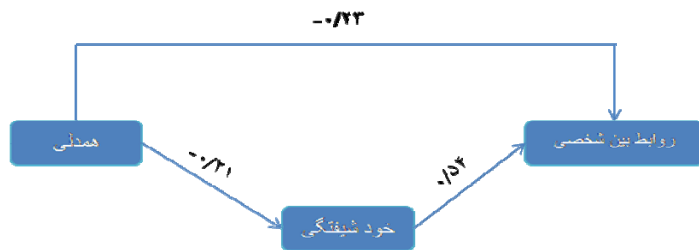
1. Narcissistic Personality Inventory

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

جدول ۱. شاخصه های توصیفی نمره همدلی، خودشیفتگی و مشکلات مربوط به روابط بین شخصی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
همدلی	۲۰۲/۵۰	۲۷/۹۶	۹۰/۰۰	۳۲۴/۰۰
خودشیفتگی	۱۴/۸۴	۶/۴۷	۱/۰۰	۳۶/۰۰
مشکلات مربوط به روابط بین شخصی	۱/۵۵	۰/۵۵	۰/۲۳	۳/۳۰

محاسبه ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش نشان داد که با احتمال $p < ۰/۰۵$ ، رابطه همدلی با مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی ($r = -۰/۱۳$) و با خودشیفتگی ($r = -۰/۱۷$) منفی و رابطه مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی با خودشیفتگی ($r = ۰/۵۲$) مثبت است. برای آزمون الگوی فرضی پژوهش از ماتریس واریانس-کوواریانس به عنوان داده ورودی و با توجه به نرمال بودن داده‌ها از روش حداکثر درست‌نمایی استفاده و این مطالعه در دو سطح (الگوهای دو سطحی) انجام شد. در سطح اندازه گیری، روایی سازه ابزارها بررسی، و سپس الگوی معادلات ساختاری آزمون شد. در شکل ۲ تأثیر مستقیم متغیرها در کنار پیکان ویژه‌ای که رابطه بین دو متغیر را نشان می‌دهد درج شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود همدلی با ضریب مسیر $-۰/۲۳$ به میزان ۲۳ درصد از واریانس مشکلات مربوط به روابط بین شخصی و با ضریب مسیر $-۰/۲۱$ به میزان ۲۱ درصد از واریانس خودشیفتگی را تبیین می‌کند. خودشیفتگی با ضریب مسیر $۰/۵۴$ به میزان ۵۴ درصد از واریانس مشکلات مربوط به روابط بین شخصی را تبیین می‌کند. همه این ضرایب مستقیم معنادار بودند ($p < ۰/۰۰۱$). ضرایب غیراستاندارد و استاندارد مسیرهای مستقیم موجود در الگو در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مسیرها

جدول ۲. ضرایب غیر استاندارد و استاندارد مسیرهای مستقیم موجود در الگو

مسیرها	B	β	T	سطح معناداری
همدلی به خودشیفتگی	۰/۰۷	-۰/۲۱	۴/۷۳	۰/۰۰۱
همدلی به مشکلات مربوط به روابط بین شخصی	-۰/۰۵	-۰/۲۳	-۵/۴۲	۰/۰۰۱
خودشیفتگی به مشکلات مربوط به روابط بین شخصی	۰/۰۵	۰/۵۴	۱۵/۴۵	۰/۰۰۱

از آنجا که یکی از هدف‌های الگویابی معادلات ساختاری ارایه میزان اثر غیرمستقیم متغیر مستقل (متغیر برون زاد) بر متغیر وابسته (متغیر درون زاد) است، اثر غیر مستقیم متغیر مستقل بر وابسته در جدول ۳ ارایه شد که مشاهده می‌شود، اثرات غیر مستقیم متغیرهای برون زاد همدلی و خودشیفتگی بر متغیر مشکلات در روابط بین شخصی ۰/۱۲ است. اثر کل مسیرها نشان می‌دهد که اثر کل همدلی بر مشکلات روابط بین شخصی ۰/۳۵ است.

جدول ۳. مسیر غیر مستقیم موجود در مدل

Z _{sobel}	β	مسیرها
۲/۰۴	۰/۱۲	اثر همدلی بر مشکلات مربوط به روابط بین شخصی به واسطه

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهد که برازش مطلق الگو مطلوب است. شاخص‌های مقایسه الگو شامل شاخص مجذور خی = ۳/۰۴؛ درجه آزادی = ۱؛ شاخص نیکویی برازش^۱ = ۰/۹۸؛ شاخص نیکویی برازش انطباقی^۲ = ۰/۹۷؛ و شاخص برازش مقایسه ای^۳ = ۰/۹۶ نشانه مطلوبیت این الگو در مقایسه با الگوی استقلال است. همچنین شاخص‌های اقتصاد الگو شامل شاخص مجذور خی بر درجه آزادی = ۳/۰۴؛ شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۴ = ۰/۰۰۱ حاکی از اقتصادی بودن الگو است. شاخص اعتبار متقابل مورد انتظار^۵ = ۰/۰۳ نیز نشان می‌دهد که اعتبار این الگو مطلوب است. برای بررسی نقش تعدیل کننده جنس در این الگو از تحلیل مسیر در گروه‌های چندگانه استفاده شد. این روش مشخص می‌کند که آیا عامل جنس روابط مشخص شده در این الگو را تعدیل می‌کند یا نه. به این منظور، با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و از طریق ایجاد محدودیت در گروه‌ها (اعمال تساوی تمامی مسیرها) و سپس آزاد سازی مسیرهای مورد نظر و مقایسه تفاوت در مقدار خی دو به بررسی نقش جنس در تعدیل کنندگی ضرایب مسیر پرداخته شد.

جدول ۴. تفاوت در میزان خی دو در مسیرهای ساختاری دو جنس

نسبت ملاکی	X ²	مسیرها
۰/۸۱	۰/۱۱	همدلی به خودشیفتگی
۰/۱۷	۰/۰۸	همدلی به مشکلات روابط بین شخصی
۲/۰۱*	۳/۱۱*	خودشیفتگی به مشکلات روابط بین شخصی

ضرایب در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادارند.

1. Goodness of Fit Index
2. Adjusted Goodness of Fit Index
3. Comparative Fit Index
4. Root Mean Square Error of Approximation
5. Expected cross-validation

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

جدول ۴ تفاوت در میزان مسیرهای خاص به عنوان تابعی از جنس را نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود تفاوت در شیوه‌ها در دو جنس در مسیر خودشیفتگی به مشکلات مربوط به روابط بین شخصی به طور معناداری در دختران و پسران متفاوت است. این یافته نشان می‌دهد که جنس به طور معناداری این مسیر را تعدیل می‌کند. همچنین شاخص نسبت ملاکی^۱ نیز نشان می‌دهد که مسیر خودشیفتگی به مشکلات مربوط به روابط بین شخصی در دو جنس متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد همدلی با کیفیت روابط بین شخصی رابطه مثبت دارد (یادآور می‌شود که کیفیت روابط بین شخصی با مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی نسبت عکس دارد). این نتایج که فرضیه اول پژوهش را تایید می‌کند، با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (باتسون^۲، ۱۹۹۷؛ پرانیس^۳، ۲۰۰۰؛ ریف و همکاران، ۲۰۱۰؛ سوسا و همکاران، ۲۰۱۰؛ لاورنس، شاو، بیکر، بارون کوهن و دیوید^۴، ۲۰۰۴؛ هریس^۵، ۲۰۰۰) همسو است و می‌توان آن را بر حسب احتمالات زیر تفسیر کرد: همدلی عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت‌آمیز بین شخصی (سوسا و همکاران، ۲۰۱۰)؛ پاسخدهی هیجانی به احساسات فرد دیگر (دی‌واید، ون‌بوکستل، زالبرگ، گودنا و متیس^۶، ۲۰۰۶؛ شامای-تسوری، هارون پرتز و پری^۷، ۲۰۰۸؛ نومنا، هیروانن، پارکولا و هیتانن^۸، ۲۰۰۸؛ هافمن^۹، ۲۰۰۰)؛ و فرایند زیر بنایی تغییرات روان شناختی واقعی است (راجرز^{۱۰}، ۱۹۵۹)؛ که از طریق توانایی سهیم شدن در حالات هیجانی دیگری، دریافت پسخوراند منظم از روابط بین شخصی (پرانیس، ۲۰۰۰)؛ و آگاهی از احساسات فرد دیگر (لپن، مک‌کین، کاربونل و هاگن^{۱۱}، ۱۹۸۵)، مشکلات بین شخصی را کاهش می‌دهد و زمینه بهبود روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد. همدلی به فرد اجازه برقراری تماس موثر با محیط اجتماعی پیرامون خود را می‌دهد، او را با محیط اجتماعی پیوند می‌زند، کمک به دیگران را برای فرد تسهیل و از وارد کردن آسیب به افراد دیگر جلوگیری می‌کند (بارون-کاهن و ویل‌رایت^{۱۲}، ۲۰۰۴). این ویژگی‌ها به فرد کمک می‌کند تا کیفیت روابط بین شخصی خود را بهتر سازد تا مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی را کاهش دهد. همدلی ویژگی شخصیتی

1. Criterion ratio
2. Batson
3. Pranis
4. Lawrence, Shaw, Baker, Baron-Cohen & David
5. Harris
6. De Wied, Van Boxtel, Zaalberg, Goudena & Matthys
7. Shamay-Tsoory, Aharon-Peretz & Perry
8. Nummenmaa, Hirvonen, Parkkola & Hietanen
9. Hoffman
10. Rogers
11. Chlopan, McCain, Carbonell & Hagen
12. Baron-cohen & Wheel Wright

است که با کیفیت روابط بین شخصی مرتبط است. بنابراین، انتظار می‌رود همبستگی بین همدلی و روابط انسانی معنادار باشد. بر عکس، می‌توان انتظار داشت رابطه بین همدلی و عوامل شخصیتی چون پرخاشگری و خصومت، که کیفیت روابط بین شخصی را مختل می‌کنند، منفی باشد (حجت، زاگرن، مگی، منگیون، ناسکا، ورگار و گانلا^۱، ۲۰۰۵). ایزنبرگ و ایگوم بر اهمیت تنظیم هیجان‌ها در پاسخ دهی همدلانه تأکید می‌کنند (۲۰۰۹)؛ به نقل از دی واید، واید و باکستل^۲، ۲۰۱۰). روابط اجتماعی مثبت مستلزم ظرفیت فهم هیجان‌ها و تجربیات حسی فرد دیگر است. به علاوه، روابط اجتماعی مناسب به تجربه جانشینی هیجان‌هایی مشابه با آنچه در افراد دیگر وجود دارد کمک می‌کند. این تجربه و توانایی به لحاظ شناخت‌شناسی بسیار مهم است به دلیل این که ارزیابی مستقیمی از رفتارهای دیگری را فراهم می‌کند (دیستری، ۲۰۰۴)؛ به نقل از فیتزگیبون، گیومارا، کاریستیانیس، انتیکات و بردشاو^۳، ۲۰۱۰).

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد که خودشیفتگی با کیفیت روابط بین شخصی رابطه منفی دارد که با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (اگرونی‌زاک و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپل و پیل-کانیس^۴، ۲۰۰۷؛ تانچاتس‌رینون و همکاران، ۲۰۱۰؛ کمپل و فاستر^۵، ۲۰۰۲) همسو است و می‌توان آن را بر حسب احتمالات زیر تفسیر کرد:

خودشیفتگی به عنوان موهبتی آمیخته (پائول هاس، ۱۹۹۸) از جنبه‌های انطباقی و غیر انطباقی تشکیل شده است (ریدی و همکاران، ۲۰۰۸؛ فاستر و کمپل، ۲۰۰۵). توصیف‌های بالینی از اشخاص با شخصیت خودشیفته به طور منظم بر سبک‌های بین شخصی کنترل‌کننده و بهره‌کشی بسیار بالای آن‌ها تأکید می‌کنند. این سبک‌ها به منظور ترمیم حس شکننده‌ای که آن‌ها از خود دارند استفاده می‌شود. رفتارهای اهانت‌آمیز و انتقام‌گرایانه‌ای که خودشیفته‌ها استفاده می‌کنند بین آن‌ها و افراد دیگر فاصله می‌اندازد (اگرونی‌زاک و همکاران، ۲۰۰۹). افراد خودشیفته تمایل دارند تا حرمت خود را از طریق تسلط بر دیگران، عدم اعتماد به افراد دیگر، بد نام کردن دیگران و ارزش‌کاهی افرادی که حس برتری طلبی فرد را تهدید می‌کنند، افزایش دهند (اگرونی‌زاک و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به این عوامل، خودشیفتگی می‌تواند تأثیری منفی بر کیفیت روابط بین شخصی فرد با دیگران داشته باشد.

خودشیفته‌ها برای تنظیم حرمت خود از مکانیسم‌های درون شخصی و راهبردهای بین شخصی استفاده می‌کنند (زیگلر-هیل و همکاران، ۲۰۱۰). اسراکیس^۷ (۱۹۹۰) معتقد است که روابط بین-

1. Hojat, Zuckerman, Magee, Mangione, Nasca, Vergare & Gonnella
2. De Wied, Wied & Boxtel
3. Fitzgibbon, Giummarra, Karistianis, Enticott & Bradshaw
4. Miller, Campbell & Pilkonis
5. Campbell & Foster
6. domination
7. Svrakic

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

شخصی که به وسیله فرامن نابالغ خودشیفته شکل می‌گیرد، با بهره‌کشی، مزاحمت و عدم اعتماد به دیگران مشخص می‌شود. رابینس و دیوپنت^۱ (۱۹۹۲)، چرخه معیوبی از رفتارهایی را توصیف می‌کنند که در آن رفتار بین شخصی نادرست فرد خودشیفته باعث شکست در روابط اجتماعی می‌شود و این رفتارهای بین شخصی نادرست به منظور محافظت از حس شکننده خود فرد خودشیفته به کارگرفته می‌شوند. خودشیفتگی انطباقی یعنی ویژگی‌های رهبری و شایستگی شخصی (به نقل از بری، پیکارد و آنسل^۲، ۲۰۰۹؛ بری، گرافمن، آدلر و پیکارد^۳، ۲۰۰۷)، به طور مثبت با اعتماد به خود و قاطعیت (ایمونس، ۱۹۸۴؛ راسکین و تری، ۱۹۸۸) در ارتباط است، که به لحاظ اجتماعی مطلوب هستند. در حالی که خودشیفتگی غیرانطباقی یعنی ویژگی‌های محق بودن، بهره‌کشی و آشکارسازی با عدم سازگاری‌های اجتماعی و رفتاری پیوند می‌یابد.

(ایمونس، ۱۹۸۴؛ راسکین و تری، ۱۹۸۸). داویس، کلاریدج و سرولو^۴ (۱۹۹۷) معتقدند که صفت خودشیفتگی غیرانطباقی، بیش جبرانی برای گسترده‌ترین نایمینی‌های افراد خودشیفته درباره خودشان است و بیش حساس بودن آن‌ها را به انتقاد منعکس می‌کند. میلر (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند چنین فعالیت‌هایی، تلاش‌هایی در جهت جبران کمبودهای حرمت خودند که باعث ایجاد فاصله خود از منابع بین شخصی خودتأییدی و انتقاد می‌شوند. این پیامدهای منفی در عمل خودشیفته‌ها را در سطح بین شخصی با مشکل روبه‌رو می‌سازد (یانگ و پینسکی^۵، ۲۰۰۶). افزایش حس محق بودن فرد خودشیفته پیامدهایی مخرب در روابط بین شخصی آن‌ها دارد (استرلین^۶، ۲۰۰۷).

نتایج به دست آمده از الگویابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) نشان داد خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی نقش واسطه‌ای دارد. این یافته که فرضیه سوم پژوهش را تأیید می‌کند با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (اگرونی‌زاک و همکاران، ۲۰۰۹؛ باتسون، ۱۹۹۷؛ پرانیس، ۲۰۰۰؛ ریف و همکاران، ۲۰۱۰؛ سوسا و همکاران، ۲۰۱۰؛ لاورنس و همکاران، ۲۰۰۴؛ مونرو و همکاران، ۲۰۰۵؛ هریس، ۲۰۰۲) همخوانی دارد. این یافته را می‌توان برحسب احتمالات زیر تفسیر کرد:

خودشیفتگی به عنوان ساختاری شخصیتی (هولتزمن و استروب^۷، ۲۰۱۰) از جنبه‌های انطباقی و غیرانطباقی تشکیل شده (ریدی و همکاران، ۲۰۰۸) و شامل حس خود بزرگ بینی و در عین حال خود شکننده، محقق بودن و اشتغال ذهنی به موفقیت است. (کوهوت^۸، ۱۹۷۷). خودشیفتگی با

1. Robbins, & Dupont
2. Barry, Pickard, & Ansel
3. Barry, Grafeman, Adler, & Pickard
4. Davis, Claridge, & Cerullo
5. Young, & Pinsky
6. Strelan
7. Holtzman & Strube
8. Kohut

ایجاد پاسخ‌های اجتماعی نامناسب که مانع واکنش‌های همدلانه می‌شود (لاورنس و همکاران، ۲۰۰۴)، اثرات همدلی بر کیفیت روابط بین شخصی را کاهش می‌دهد. روابط اجتماعی مناسب مستلزم تجربه هیجان‌هایی است که مشابه با هیجان‌های فرد دیگر باشد. این تجربه، توانایی ارزیابی مستقیم از رفتار دیگران را فراهم می‌کند (دیستری، ۲۰۰۴؛ به نقل از فیتزگیون و همکاران، ۲۰۱۰)، که در فهم همدلی بسیار ضروری است. خودشیفتگی، برعکس، با رویکرد متمرکز بر خود، بهره‌کشانه، فقدان همدلی و خشونت (کمپل و فاستر، ۲۰۰۲) مانع از ایجاد روابط می‌شود. خودشیفتگی با کاهش ظرفیت همدلی (واتسن، گریشمن، تروترو و بیدرمن^۱، ۱۹۸۴) بر کیفیت روابط بین شخصی اثر می‌گذارد و افراد خودشیفته را با خطاهای بین شخصی بسیاری در زندگی روزمره مواجه می‌سازد (ایتون و همکاران، ۲۰۰۶). پژوهش‌های گذشته سه ویژگی اصلی خودشیفتگی را نوسان‌های خود، خصومت بین شخصی و تکانشوری می‌داند (کارلسون و جرد^۲، ۲۰۰۹). خودشیفته‌ها قادر نیستند به شخص دیگری، به دلیل عدم اعتماد گسترده آن‌ها به دیگران و ارزش‌کاهی دیگران، وابستگی پیدا کنند (کرنبرگ^۳، ۱۹۸۴). این عوامل باعث کاهش ظرفیت همدلی می‌شود و بر کیفیت روابط بین شخصی اثر می‌گذارد. مطالعاتی که شامل نمونه‌های غیر بالینی است، نشان داده‌اند که خودشیفتگی به طور قابل ملاحظه‌ای با مشکلات بین شخصی پیوند می‌یابد (اگرونی‌زاک و همکاران، ۲۰۰۹).

پژوهش حاضر، به دلیل تازگی آن در نمونه‌های ایرانی، نیازمند تکرار در نمونه‌های مختلف و تاییدهای تجربی بیشتر است. تا آن زمان، یافته‌های پژوهش باید با احتیاط تفسیر شود. همین‌طور، نمونه پژوهش (گروهی از دانشجویان) و نوع پژوهش (همبستگی)، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. به علاوه، مشکلات و محدودیت‌های مربوط به ابزارهای خودگزارش‌دهی در این پژوهش را نباید از نظر دور داشت.

به طور خلاصه، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که خودشیفتگی و همدلی، به منزله خصیصه‌های شخصیتی، می‌تواند بر کیفیت روابط بین شخصی و مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی تأثیر گذار باشد. بر این اساس، می‌توان به دو دسته پیامد عملی و نظری پژوهش اشاره کرد. در سطح عملی، تهیه برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای اصلاح و تغییر ویژگی‌های شخصیتی، می‌تواند مهارت‌ها و راهبردهای مناسب و کارآمد در زمینه بهبود کیفیت روابط بین شخصی را به فرد آموزش دهد. پس از تغییرات مقدماتی در سطح ویژگی‌های شخصیتی، تمرکز بر رابطه بین شخص-دیگری و تغییرات ضروری در سطح این رابطه، می‌تواند در دستور کار برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای قرار گیرد. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند هم به غنای نظریه‌های

1. Watson, Grisham, Trotter, & Biderman
2. Carlson, & Gjerde
3. Kernberg

نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی

فعلی مربوط به شخصیت و روابط بین شخصی کمک کند و هم پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی را در مورد نسبت و رابطه ویژگی‌های شخصی و بین شخصی در چهارچوب پژوهش‌های مربوط به شخصیت و روابط بین شخصی مطرح سازد. نمونه‌ای از این پرسش‌ها عبارتند از: هر یک از مولفه‌های درون و بین شخصی ابعاد شخصیتی چقدر در کیفیت روابط بین شخصی با مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین شخصی تأثیرگذار است؟ آیا نوع رابطه خودشیفتگی با کیفیت و مشکلات روابط بین شخصی و میزان تأثیرگذاری این خصیصه شخصیتی بر کیفیت روابط بین شخصی در تیپ‌های مختلف شخصیتی متفاوت است؟ برای مثال، آیا مشکلات بین شخصی در فردی که در خصیصه خودشیفتگی و بعد روان‌آزردگی نمره بالا کسب می‌کند مشابه با کسی است که در یک خصیصه یا بعد نمره بالا و در خصیصه یا بعد دیگر نمره پایین کسب می‌کند، یا متفاوت است؟ پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها و فرضیه‌های مبتنی بر آن‌ها نیازمند پژوهش‌های مستقلی است که به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌شود.

منابع

- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۸). بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی فرم ۶۰ سوالی مقیاس مشکلات بین شخصی در جمعیت ایرانی. *روان‌شناسی معاصر*، ۸: ۳۶-۲۵.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس همدلی عاطفی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی، محمد مهر، رضا، عزیز، لیلیا، و پوربهلول، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم ۶۰ سوالی مقیاس مشکلات بین شخصی. *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی*، زیر چاپ.
- ژاندا، لوئیس. (۱۳۸۴). *آزمون‌های شخصیت*. ترجمه محمدعلی بشارت و محمد حبیب نژاد. تهران: آبیژ.

- Alden, L. E., & Taylor, C. T. (2004). Interpersonal processes in social phobia. *Clinical Psychology Review*, 24: 857-882.
- Ali, F., Amorim, I. S., & Chamorro-Premuzic, T. (2009). Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 47: 758-762.
- Ames, D. A., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*, 40: 440-450.
- Baron-Cohen, S., & Wheelwright, S. (2004). The empathy quotient: An investigation of adults with Asperger syndrome or high functioning Autism and normal sex differences. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 34: 163-175.

- Barry, C. T., Grafeman, S. J., Adler, K. K., & Pickard, J. D. (2007). The relations among narcissism, self-esteem, and delinquency in a sample of at-risk adolescents. *Journal of adolescence*, 30: 933-942.
- Barry, C. T., Pickard, J. D., & Ansel, L. L. (2009). The associations of adolescent invulnerability and narcissism with problem behaviors. *Personality and Individual Differences*, 47: 577-582.
- Batson, C. D. (1997). Self-other merging and the empathy altruism hypothesis: Reply to Neuberg et al. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73: 517-522.
- Brown, R. P., & Zeigler-Hill, V. (2004). Narcissism and the non-equivalence of self-esteem measures: A matter of dominance? *Journal of Research in Personality*, 38: 585-592.
- Cain, N. M., Pincus, A. L., & Ansell, E. B. (2008). Narcissism at the crossroads: Phenotypic description of pathological narcissism across clinical theory, social/personality psychology, and psychiatric diagnosis. *Clinical psychology review*, 28: 638-656.
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28: 484-495.
- Carlson, k. S., & Gjerde, P. f. (2009). Preschool personality antecedents of narcissism in adolescence and young adulthood: A 20-year longitudinal study. *Journal of Research in Personality*, 43: 570-578.
- Chlopan, B., McCain, M., Carbonell, J., & Hagen, R. (1985). Empathy: Review of available measures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48: 635-653.
- Davis, C., Claridge, G., & Cerullo, D. (1997). Reflections on narcissism: conflicts about body-image perceptions in women. *Personality and Individual Differences*, 22: 309-316.
- De Wied. M., Van Boxtel, A., Zaalberg, R., Goudena, P. P., & Matthys, W. (2006). Facial EMG responses to dynamic emotional facial expressions in boys with disruptive behavior disorders. *Journal of Psychiatric Research*, 40: 112-121.
- De Wied, M., Wied, C. G. D., & Boxtel, A. V. (2010). Empathy dysfunction in children and adolescents with disruptive behavior disordersEuropean. *Journal of Pharmacology*, 626: 97-103.
- Eaton, J., Struthers, C. W., & Santelli, A. G. (2006). Dispositional and state forgiveness: the role of self-esteem need for structure and narcissism. *Personality and Individual Differences*, 41: 371-380.
- Emmons, R. A. (1984). Factor analysis and construct validation of the narcissistic personality inventory. *Journal of Personality Assessment*, 48: 291-300.
- Fitzgibbon, B. M., Giummarra, M. J., Karistianis, N. G., Enticott, P. G., & Bradshaw, J. L. (2010). Shared pain: From empathy to synaesthesia. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 34: 500-512.

- Foster, J. D., & Campbell, W. K. (2005). Narcissism and resistance to doubts about romantic partners. *Journal of Research in Personality*, 39: 550-557.
- Foster, J. D., Campbell, w. k., & Twenge, J. M. (2003). Individual differences in narcissism: in flatted self- views across the lifespan and around the world. *Journal of Research in Personality*, 3: 469-486.
- Hojat,M., Zuckerman, M., Magee. M., Mangione, S., Nasca, T., Vergare, M., & Gonnella, J. S. (2005). Empathy in medical students as related to specialtyinterest, personality, and perceptions of mother and father. *Personality and Individual Differences*, 39: 1205–1215.
- Harris, P.L. (2000). *The Work of the Imagination*. Blackwell, Oxford.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*. New York: Cambridge University Press.
- Holtzman, N., & Strube, M. J. (2010). Narcissism and attractiveness. *Journal of Research in Personality and Individual Differences*, 47: 577-528.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., Baer, B. A., Ureno, G., & Villasenor, V. S. (1988). Inventory of Interpersonal Problems: Psychometric properties and clinical applications. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56: 885-892.
- Hunter, J. A., Figueredo, A. J., Becker, J. V., & Malamuth, N. (2007). Non-sexual delinquency in juvenile sexual offenders: the mediating and moderating influences of emotional empathy. *Journal of Family*, 22: 43-54.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9: 441-476.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Examining the relationship between low empathy and bullying. *Aggressive Behavior*, 32: 540–550.
- Kernberg, O. F. (1984). *Severe personality disorders: Psychotherapeutic strategies*. New Haven: Yale University Press.
- Kohut, H. (1977). *The restoration of the self*. New York: International Universities Press.
- Lawrence, E. J., Shaw, P., Baker, D., Baron-Cohen, S., & David, A. S. (2004). Measuring empathy: Reliability and validity of the empathy quotient. *Psychological Medicine*, 34: 911–924.
- Miller, I. J. (1992). Interpersonal vulnerability and narcissism: A conceptual continuum for understanding and treating narcissistic psychopathology. *Psychotherapy*, 29: 216–224.
- Miller, J. D., & Campbell, W. K. (2008). Comparing clinical and social-personality conceptualizations of narcissism. *Journal of Personality*, 76: 449–476.
- Miller, J. D., Campbell, W. K., & Piltonis, P. A. (2007). Narcissistic personality disorder relation with distress and functional impairment. *Comprehensive Psychiatry*, 48: 170-177.
- Munro, D., Bore, M., & Powis, D. (2005). Personality factors in professional ethical behavior: Studies of empathy and narcissism. *Australian Journal of Psychology*, 57(1): 49–60.

- Nummenmaa, L., Hirvonen, J., Parkkola, R., & Hietanen, J. K. (2008). Is emotional contagion special? An fMRI study on neural systems for affective and cognitive empathy. *Neuro Image*, 43: 571-580.
- Ogrodniczuk, J., Piper, W. E., Joyce, A.S., Steinberg, P.I., & Duggal, S. (2009). Interpersonal Problem associated with narcissism among psychiatric outpatients. *Journal of psychiatry*, 43: 837-842.
- Paulhus, D. (1998). Interpersonal and intrapsychic adaptiveness of trait self-enhancement: A mixed blessing? *Journal of Personality and Social Psychology*, 74: 1197-1208.
- Pranis, K. (2000). *Empathy development in youth through restorative practices*. Public Service Psychology Newsletter, 25(2). Accessed in the Minnesota Department of Corrections web site: www.corr.state.mn.us/RJ/publications/rjempathy.htm
- Raskin, R., & Terry, H. (1988). A principal components analysis of the narcissistic personality inventory and further evidence of its construct validity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54: 890-902.
- Reidy, D. E., Zeichner, A., Foster, G. D., & Martinez, M. A. (2008). Effects of narcissistic entitlement and exploitativeness on human physical aggression. *Personality and individual differences*. 44: 865-875.
- Rieffe, C., Ketelear, L., & Wiefferink, C. H. (2010). Assessing empathy in young children: construction and validation of an empathy questionnaire (em que). *Personality and individual differences*, in press.
- Robbins, S. B., & Dupont, P. (1992). Narcissistic needs of the self and perceptions of interpersonal behavior. *Journal of Counseling Psychology*, 39: 462-467.
- Rogers, C. (1959). Significant learning in therapy and in education. *Educational Leadership*, 16: 232-242.
- Segrin, C., & Taylor, M. (2007). Positive interpersonal relationship mediates the association between social skills and psychological well being. *Personality and Individual Differences*, 43: 637-646.
- Shamay-Tsoory, S. G., Aharon-Peretz, J., & Perry, D. (2008). Two systems for empathy: A double dissociation between emotional and cognitive empathy in inferior frontal gyrus versus ventromedial prefrontal lesions. *Brain*, 132: 617-627.
- Sousa, A. D., McDonald, S., Rushby, J., Li, S., Dimoska, A., & James, C. (2010). Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury: The role of affective responsivity. *Cortex*, in press.
- Svrakic, D. M. (1990). The functional dynamics of the narcissistic personality. *American Journal of Psychotherapy*, 44: 189-203.
- Strelan, P. (2007). Who forgives other, themselves, and situations? The roles of narcissism, guilt, self-esteem, and agreeableness. *Personality and Individual Differences*, 42: 259-269.

- Tanchotsrinon, P., Maneesri, K., & Campbell, W. K. (2007). Narcissism and romantic attraction: evidence from a collectivistic culture. *Journal of Research in Personality*, 41: 723-730.
- Watson, P. J., Grisham, S. O., Trotter, M. V., & Biderman, M. D. (1984). Narcissism and empathy: Validity evidence for the narcissistic personality inventory. *Journal of Personality Assessment*, 48: 301-305.
- Watson, P. J., & Morris, R. J. (1991). Narcissism, empathy and social desirability. *Personality and Individual Differences*, 12: 575-579.
- Young, S. M., & Pinsky, D. (2006). Narcissism and celebrity. *Journal of Research in Personality*, 40: 463-471.
- Zeigler-Hill, V., Myers, E. M., & Clark, C. B. (2010). Narcissism and self-esteem reactivity: the role of negative achievement events. *Journal of Research in Personality*, 44: 285-292.